

نسل جوان باید با آگاهی و ایمان به ترویج فرهنگ ایثار و شهادت بپردازد

قرارگاه راهیان نور ارتش گفت: نسل جوان باید با آگاهی و ایمان به ترویج فرهنگ ایثار و شهادت بپردازد و بهترین مسیر، راهیان نور است. به گزارش خبرگزاری مهر، امیر سرتیپ دوم اکبر نجفی در حاشیه مراسم اعزام اولین گروه خادمان نخبه دانش‌آموز در یادمان بیت المقدس از تلاش‌های خادمان و بسیجیان در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت تقدیر کرد. نجفی با تأکید بر اهمیت انتقال ارزش‌های دفاع مقدس به نسل جوان بر لزوم جهاد تبیین و آشنایی جوانان با سیره شهدا تأکید کرد. وی یادآور شد: پیروزی‌های بزرگ رزمندگان اسلام در هشت سال دفاع مقدس به برکت رهبری امامین انقلاب و ایثارگری رزمندگان حاصل شده است و امروز جبهه مقاومت ادامه‌دهنده همان راه است. فرمانده قرارگاه راهیان نور با اشاره به بیداری جهان اسلام و مظلومان توسط جبهه مقاومت، به پیروزی‌های اخیر مردم غزه در برابر ظلم و تجاوز اشاره کرد و گفت: نسل جوان امروز باید با آگاهی و ایمان وارد میدان شود و جهاد تبیین را به عنوان رسالت خود بداند.

استاندار خوزستان:

مشکلات کوی گلدشت اهواز با جدیت پیگیری می‌شود



استاندار خوزستان درپی حضور برخی از اهالی منطقه کوی گلدشت مقابل استانداری، در جمع آنها حضور یافت و گفت: مطالبات به حق مردم این منطقه با جدیت پیگیری می‌شود. به گزارش ایرنا، جمعی از اهالی منطقه کوی گلدشت اهواز به منظور افزایش خدمات شهری و مشکلات زیرساخت‌های آسفالت و آب و فاضلاب، روز یکشنبه مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند که بلافاصله سید محمدرضا موالی‌زاده استاندار خوزستان به همراه مهراد نیکو رئیس سازمان برنامه و بودجه و سید مهران علم‌الهدایی سرپرست معاونت عمرانی استانداری در میان آنها حضور یافت و دستور رسیدگی به مطالبات آن‌ها را صادر کرد. اهالی این منطقه در زمینه نبود آسفالت و زیرساخت‌های آب و فاضلاب سالها است با مشکلاتی مواجه هستند که به گفته اهالی منطقه حدود ۴۰ خانوار در این منطقه شرایط سختی را برای تردد و سکونت دارند. استاندار خوزستان در دیدار با اهالی منطقه گلدشت، دستور رسیدگی جدی به مشکلات آن‌ها را داد. کوی گلدشت یکی از مناطق حاشیه شهر در غرب اهواز است که در پنج کیلومتری جاده اهواز -خرمشهر قرار دارد. این منطقه سال‌هاست با مشکل آب و فاضلاب و خدمات شهری مواجه است.

معاون آموزش و پرورش استان:

۶/۹۱ درصد کودکان خوزستان بازمانده از تحصیل هستند!

معاون آموزش ابتدایی اداره‌کل آموزش و پرورش خوزستان گفت: ۶.۹۱ درصد افراد لازم‌التعلیم خوزستان جزو بازماندگان از تحصیل محسوب می‌شوند و بیشترین آمار در سنین ۱۵،۱۶ و ۱۷ ساله بوده است. سیده فرانک موسوی در نشستی خبری اظهار کرد: برای انسداد مبادی بیسوادی باید ارگان‌های مختلف کنار آموزش و پرورش باشند. همیشه وقتی موضوع کودکان بازمانده از تحصیل پیش می‌آید آموزش و پرورش مورد هدف قرار می‌گیرد، در حالی که این مساله نیازمند عزم ملی همه آحاد جامعه شامل همه سازمان‌ها، نهادهای حمایتی و سازمان‌های مردم‌نهاد در شناسایی، جذب و نگهداشت کودکان بازمانده از تحصیل است. به گزارش ایسنا، وی با اشاره به وضعیت بازماندگان از تحصیل در خوزستان افزود: تعداد بازماندگان از تحصیل در سامانه شهید محمودوند اعلام می‌شود. برای همه این کودکان به ویژه در مقطع ابتدایی پیگیرکنندگانی تعیین کرده‌ایم، یعنی برای شناسایی هر پنج دانش‌آموز یکی از همکاران را تعیین کرده‌ایم تا پیگیری لازم را انجام دهد. موسوی بیان کرد: ۶.۹۱ درصد افراد لازم‌التعلیم خوزستان جزو بازماندگان از تحصیل محسوب شده‌اند و بیشترین آمار در سنین ۱۵،۱۶ و ۱۷ ساله بوده است. در دوره ابتدایی، کودکان ۶ ساله بیشترین آمار را داشته‌اند یعنی کودکانی که برای پایه اول ابتدایی ثبت‌نام نکرده‌اند. معاون آموزش ابتدایی اداره‌کل آموزش و پرورش خوزستان گفت: ۹ درصد این کودکان یعنی یک هزار و ۷۱ کودک جذب شده‌اند و ۹۲۱ نفر از این تعداد در مقطع ابتدایی بوده‌اند. موسوی ادامه داد: برای ما پیش‌بینی شده است ۳۰ درصد کودکانی که پیگیری می‌شوند جذب آموزش و پرورش شوند اما تاکنون تنها ۱۰ درصد این کودکان جذب شده‌اند. کدام مناطق خوزستان بیشترین بازمانده از تحصیل را دارند؟ وی افزود: در برخی مناطق از جمله شهرستان‌های کرخه، شادگان، هویزه، بستان و کارون و در عشایر تعداد کودکان بازمانده از تحصیل بسیار بالاتر است و بیش از ۱۰ درصد کودکان این شهرستان‌ها بازمانده از تحصیل هستند و نیازمند توجه زیادی هستند.معاون آموزش ابتدایی اداره‌کل آموزش و پرورش خوزستان گفت: نکته قابل توجه این است که ممکن است بسیاری از کودکان مهاجرت یا فوت کرده باشند اما فوت آن‌ها در سامانه ثبت احوال ثبت نشده، بنابراین اثبات فوت، سخت است. وی افزود: برخی از این کودکان هم به دلیل فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، معلولیت و دلایل دیگر، از تحصیل بازمانده‌اند. موسوی گفت: عمده مشکل در شناسایی این کودکان، تغییر آدرس‌ها است. شاید کودک به استان دیگر یا خارج از کشور رفته باشد و گاهی اطلاعات دقیقی از آن‌ها نداریم. به اطلاعات سازمان هدفمندی یارانه‌ها هم دسترسی نداریم که از این طریق آن‌ها را پیگیری کنیم. وی عنوان کرد: در همه ۴۰ منطقه آموزشی استان خوزستان، کارگروه‌های جذب بازماندگان از تحصیل وضعیت این کودکان را پیگیری و آن‌ها شناسایی، جذب و نگهداری می‌کنند، اما عمده مشکل ما این است کودکانی که جذب می‌شوند، به دلیل اینکه دچار مشکلات مالی و فرهنگی هستند، نگهداشت آن‌ها در مدرسه برای ما سخت است؛ بنابراین نیازمند کمک دیگر سازمان‌ها برای جذب بازماندگان از تحصیل و به ویژه در نگهداشت این کودکان هستیم. وی افزود: طبق قانون حمایت از کودکان، وزارت دادگستری مکلف است اقدام کند و در این خصوص، جایی که ولی کودک از تعلیم و تربیت ممانعت می‌کند با دادستانی مکاتبه می‌کنیم تا جلوی ولی را بگیرند.

شوش و انقلاب



حوادث و رویدادهای تاریخی هر کشوری،دارای ابعادی مختلف و ریشه هایی متفاوت هستند.جنبش هایی که هر یک توانستند وضعیت را متغیر سازند و به تبع آن، جامعه را دگرگون کنند. اینکه این رخدادها را با کدامین نام،معرفی کنند؟یا چگونگی شکل گرفتن آن ها را با کدامین تفسیر مزین نمایند؟موضوعی قابل توجه است.انقلاب کوبا،جنبش بلشویک ها،انقلاب صنعتی اروپا و یا رنسانس فرانسه،نام هایی است که در حداقل شکل،مشمول تغییرات زیر بنایی در ابعاد اجتماعی،اقتصادی،فرهنگی و سیاسی شدند. هیچیک از این رویدادها جنبه اعتقادی نداشتند و لذا انقلاب اسلامی ایران،دریچه ای جدید به روی جهان معاصر باز کرد.به راستی که این انقلاب یکه بود. شاید مهم ترین نکته در باب این نهضت،یکپارچگی انواع رفتارها در اقصی نقاط کشور باشد.این مهم در شکل گیری اعتراض ها،نحوه بیان شعارها،پیروی از رهبری و زمان های مناسب برای برخورد با نیروهای رژیم،به طور آشکار،نمایان بود. در چنین وضعیتی،تاریخ انقلاب در شوش نیز،ناگفته های بسیاری برای انتقال آن ها به نسل جدید،دارد.شهری مذهبی و تاریخی که گرچه در سال ۵۷ بسیار کوچک و دارای جمعیتی محدود بود اما همگام با سایر شهرهای ایران فعال بود. اولین جرقه های انقلاب از درون دبیرستان کورش آغاز شد.دانش آموزانی که عمدتا از مسجد جامع دستور می گرفتند که رهبری آن با روحانی مبارز،شهید سید محمد کاظم دانش بود. دهه پنجاه و دقیق،سال پنجاه و دو،با اعتراض دانش آموزان به نام مسابقات آموزشگاهی تحت عنوان جام ولیعهد،سبب شکستن جام و پرت کردن آن گردید. شعار«مرده و نابود باد سلطنت پهلوی»به جای شعار بلندگو«زنده و جاوید باد سلطنت پهلوی» در جشن ششم بهمن،از دیگر رویدادهای روشنگرانه ای بود که در فضای خفقان آن زمان،صورت گرفت. فارغ التحصیل شدن همین دانش آموزان و ورود به دانشگاه جندی شاپور،زمینه را برای کسب آگاهی های بیشتر،مهیا نمود.این دانشجویان با شرکت در مجالس حسینیه اعظم اهواز،نوارها و تصاویر امام و اعلامیه ها را به شوش منتقل می کردند. در کنار این قشر،بازاری های شوش،به صورت مخفی و به رهبری شهید دانش،به طور مستمر،در جلسات دزفول شرکت می کردند اما در تشکیل اعتراض های اولیه خود را نشان نمی دادند.آن ها افرادی متدین بودند و تجمع آن ها در مسجد جامع بود.گاه جوانان آن روز به این شکل از رفتارها،اعتراض داشتند. نقشه حمله با بمب دست ساز به پاسگاه ژاندارمی،گرچه به دلیل وجود کودکی در جوار آن،انجام نگرفت و عامل انقلابی،مجبور به پرتاب کردن آن به رودخانه شاوور و البته قطع انگشتان وی گردید،اما خبر آن،لرزه بر اندام نیروهای ژاندارمری،انداخت. نقشه ترور نیروهای ژاندارمری با اسلحه سرد در محرم،با آنکه برنامه به درستی طی شده بود اما هنگام اقدام،متوجه سرباز بودن آن گردیدند لذا از اپجام عمل خودداری نمودند. این نیز جرقه ای از نوع تر ساندن رژیم بود. اولین تظاهرات علنی در شوش نیز،داستان جالبی دارد.این رویداد از نزدیکی های دعبل آغاز و در میدان معلم به سیزده نفر رسید.نام این افراد موجودند و جالب اینکه به استثنای یک نفر که دانشجو بود،مابقی دانش آموز بودند.شروع شعار را مجید چاهیده با این جمله آغاز کرد«برای سلامتی آیت ا... خمینی صلوات» شهید صفر احمدی شعار«ما شاه نمی خواهیم جلاد نمی خواهیم» سر دادتظاهرات به صورت دویدن صورت گرفت.بعد ازگذشتن از فلکه چاهیده،روبروی بانک ملی،حاج محمدعلی کله که مغازه میوه فروشی داشت،به ما ملحق شد.او گفت،دویدن لازم نیست،سینه زنان شعار بدهیم و خودش نیز همین کار را کرد. هدف،دعوت مردم به تظاهرات بود،به منطقه آخراسفالت که رسیدیم،ریو و جیپ ژاندارمری با شلیک تیر هوایی رسیدند.استوار اویسی که بسیار عصبی بود کلت را به طرف ما گرفت.راهی جز فرار و پناه بردن به خانه ها نداشتیم.این کار آنقدر سریع انجام گرفت که نیروهای رژیم متوجه نشدند.شوش وارد فعالیت های انقلابی شده بود.

مقاله

مسئولین آموزش و پرورش شهرستان کارون سربلند از یک آزمون

عبدالصادق حیدری زاده
پیشکسوت آموزش و پرورش

به ابتکار مدیر کل آموزش و پرورش جناب دکتر حبیبی ، امسال زنگ انقلاب اسلامی در مدرسه پسرانه شهید ناصر خوروش در کانتکس شهرستان کارون نواخته شد این جشن پرشکوه که امسال با ایام شعبانیه مصادف شدبنده فکر میکنم که از معدود سالهایی است که در این شهرستان چنین برنامه ای اجرا گردیده که مورد استقبال قرار گرفته شد*

در این جشن باشکوه که با حضور استاندار مردمی جناب آقای دکتر موالی زاده و آقایان سید محسن موسوی زاده و دکتر محمد امیر نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و دکتر حبیبی مدیر کل آموزش و پرورش و فرماندار شهرستان کارون آقای دکتر کعبی و معاون ایشان مهندس عساکره، بخشدار مرکزی ورئیس شورای شهرکوت عبدا... و نایب رئیس و مدیران اجرایی شهرستان و کارشناسان و مسئولین استانداری و اداره کل آموزش و پرورش همراه با فرماندهی سپاه پاسداران و نیروی انتظامی وبا حضور سادات و شیوخ بزرگوار ازجمله شیخ سمیر باوی و معتمدین و فرهنگیان بالاخص دانش آموزان عزیز و بقیه اقشار با شکوه خاصی برگزار گردید*

آموزش و پرورش شهرستان کارون برای برپایی این مراسم تلاش شبانه روزی داشتند و با نصب چادر عشایری و غرفه های نمایشگاهی از دست آوردهای دانش آموزان و هنر آموزان هنرستان شهرستان، جلوه های زیبایی را ایجاد کرده هنرنمایی قهوه ریز این برنامه و پخت نان برنجی وشرکت اعضای هلال احمر شهرستان هم ویژگی خاص خود را داشت

در این مراسم که با تلاوت قاری بین‌المللی جناب آقای محمد سیلاوی و سرود مقدس جمهوری اسلامی و مجری گری دو نفر از مجریان صدا و سیما سرود و مداحی دانش آموزان شروع و خیر مقدم مدیر کل و نمایندگان محترم آقای موسوی و امیر تا سخنرانی دکتر موالی زاده پایان یافت

البته همزمان با میهن اسلامی راس ساعت ۳۳/۹دقیقه زنگ انقلاب اسلامی همراه با لحظه ورود امام خمینی ره بنیان گزار جمهوری اسلامی توسط مسئولین و خانواده محترم شهدا نواخته شد

الحق و الانصاف دوستان امروز شاهد مطالبه گری هم از نمایندگان محترم و هم مطالبه گران مردمی بودیم که استاندار محترم با صبر و شکیبایی به این مطالبه حق پاسخ دادند

مشکلات شهرستان کارون فراوان هستند از محدوده شهرستان که تا کنون مشخص نشده تا مشکل بیمارستان و آسفالت خیابان ها تا کمبود فضای آموزشی و بهداشتی و درمانی

امیدوارم که همانگونه که استاندار عزیز، ریاست محترم جمهوری اسلامی را به این شهرستان آورده و از نزدیک مشکلات رامشاهده نموده با همکاری نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی نسبت به حل فوری اقدام نمایند که این شهرستان ولایت مدار کارون شهرستان حسینیه ها و مساجد و مواکب و فاطمیه و شهید پرور روی خوش و رفاه را شاهد باشیم

*در پایان از ریاست محترم اداره آموزش و پرورش و معاونت های مختلف و کارشناسان مدیران و دانش آموزان و همچنین عوامل شهرداری و آتش نشانی و امور کتابخانه ها کارکنان صدا و سیما اصحاب جراید روابط عمومی ها،که تلاش فراوانی انجام داده تشکر میکنم البته قطعا چون بار اولی بوده که به این وسعت صورت گرفته کمبود هایی هم دارد منجمله جای شوراهای روستایی و دهیاران محترم و بعضی اقشار دیگر خالی بوده که جبران خواهد شد.



خبر

مردی از جنس جنگ و ایثار ؛

پاسداری که نامش تا سال‌ها فاش نشد!

«سکوتی که سال‌ها ادامه داشت و نامی که جاودانه شد.» این روایت مردی است که جنگید، ایستاد و در میانه نیزارهای هورالعظیم، جاودانه شد. به مناسبت روز پاسدار، یاد او را گرامی می‌داریم. هوا گرم و مرطوب بود. مرداب‌های هورالعظیم در سکوت فرو رفته بودند، جز صدای پرندگان مهاجر که گویی از چیزی در هراس بودند. در این میان، صدای انفجارها از دوردست شنیده می‌شد و بوی باروت، هوای سنگین منطقه را پر کرده بود. علی هاشمی با چهره‌ای مصمم و آرام، در قرارگاه سری «نصرت» نشسته بود. بی‌سیم در دستش، آخرین هماهنگی‌ها را انجام می‌داد. کسی نمی‌دانست که این آخرین ساعات حضور او در میان همرزمانش است.

مردی از جنس جنگ و ایثار

علی هاشمی، متولد ۱۳۴۰ در اهواز، از همان نوجوانی روحیه‌ای سرکش و مقاوم داشت. او که از روزهای نخستین انقلاب اسلامی وارد میدان مبارزه شد، به‌سرعت رشد کرد و در ۱۹ سالگی فرمانده شد. جنگ که آغاز شد، او دیگر یک رزمنده ساده نبود، بلکه به‌عنوان یکی از طراحان عملیات‌های حساس، مسئولیت سنگینی را بر دوش داشت. با گسترش محورهای عملیاتی، علی هاشمی مسئولیت سپاه بستان و هویزه را بر عهده گرفت. اما مهم‌ترین نقش او، فرماندهی قرارگاه فوق سری «نصرت» بود که مأموریت داشت عملیات خیبر و بدر را در میان نیزارهای هورالعظیم هدایت کند. منطقه‌ای که هم فرصت بود و هم تهدید؛ زمینی که می‌توانست دشمن را به دام بیندازد اما درعین‌حال، کوچک‌ترین خطا به معنای گرفتار شدن در محاصره بعثی‌ها بود.

لحظه محاصره

روزهای آخر خرداد ۱۳۶۷ بود. حجم آتش دشمن شدت گرفته بود. سردار غلامرضا گرجی‌زاده که در آن روزها همراه علی هاشمی بود، بعدها روایت کرد: «به او گفتم که قرارگاه را به عقب منتقل کند، اما او قبول نکرد. معتقد بود که این عقب‌نشینی، روحیه یگان‌ها را تضعیف می‌کند.» او ایستاد، با همه توان. اما دشمن نیز بیکار ننشسته بود.

تیرماه ۱۳۶۷، عراقی‌ها با یک هلی‌برن سنگین، قرارگاه نصرت را هدف گرفتند. حلقه محاصره تنگ شد. علی هاشمی می‌توانست از راه‌های مخفی منطقه را ترک کند، اما نرفت. برخی می‌گویند که او در همان دقایق اولیه در اثر انفجار جان باخت، برخی دیگر روایت کرده‌اند که او خود را به عمق نیزارها رساند اما دیگر خبری از او نشد. سکوتی که سال‌ها ادامه یافت

تا زمانی که صدام زنده بود، هیچ‌کس از سرنوشت علی هاشمی سخن نمی‌گفت. فرماندهان تصمیم گرفته بودند که نام او را در سکوت نگه دارند، مبادا که دشمن از نبودنش سوءاستفاده کند. حتی زمانی که برخی از اسرای ایرانی در اردوگاه‌های عراق عکسی از او را دیدند، هیچ نشانی از او در میان اسرا نبود. سال‌ها گذشت تا سرانجام در سال ۱۳۸۲، پس از سقوط صدام، نام علی هاشمی دوباره بر سر زبان‌ها افتاد. در ۴۹ سالگی‌اش، این‌بار نه برای تولدی دوباره، بلکه برای بازگشت پیکرش به وطن. محسن رضایی در نهایت اعلام کرد: «او فرمانده قرارگاه فوق سری نصرت بود.»

چهره‌ای انسانی از جنگ

آن‌هایی که با علی هاشمی همرزم بودند، یک ویژگی بارز را در او برجسته می‌دانند: انسانیت. در میانه نبرد، وقتی که دو اسیر از گارد ریاست جمهوری صدام را نزد او آوردند، دستور داد که با آمبولانس به عقب منتقل شوند. برایش مهم نبود که این‌ها بخشی از همان نیروهایی بودند که جان صدها ایرانی را گرفته بودند. او جنگ را نه میدان کینه، بلکه صحنه‌ای برای دفاع از ارزش‌های انسانی می‌دانست.

امروز، هرگاه از «سردار هور» سخن به میان می‌آید، تصویر مردی به ذهن می‌رسد که در سکوت جنگید، در سکوت شهید شد و در سکوت، سال‌ها گمنام ماند. اما یاد و نامش، همچنان در قلب تاریخ می‌تپد. روز پاسدار، روزی برای یادآوری این قهرمانان بی‌ادعاست.

